درس 14

1 دعا

رهبر گروه: دعا كنيد و اعضاي گروه و نيز اين درس را كـه راجـع بـه موعظـة ملكـوت خـدا اسـت، بـه خداونـد بسپاريد.

2 در ميان گذاشتنِ آموخته‌ها (15 دقيقه)

دوم پادشاهان

هر يك به‌نوبت و به‌طور خلاصه براي ديگران تعريف كنيد كه در خلال يكي از «اوقات خلـوتي» كـه بـه مطالعه قسمت‌هاي تعيين‌شده از كتاب‌مقدس مشغول بوده‌ايد، چه آموخته‌ايـد (دوم پادشـاهان 5،ـ 6،ـ 17 و 25)، (يا يادداشتهايي را كه در اوقات خلوت خود نوشته‌ايد، بخوانيد).

به كسي كه صحبت مي‌كند خوب گوش كنيد، سخنانش را جدي بگيريد و او را بپذيريد. در مورد آنچـه مي‌گويد بحث نكنيد.

3 به خاطر سپردن (5 دقيقه)

عنوان مجموعه: كليساي مسيح

دو به دو مرور كنيد. كليساي مسيح 2: فعاليت‌هاي كليسا: اعمال 2:42.

4 بررسي كتاب‌مقدس (90 دقيقه)

روميان 1:4-16

مقدمه:

پولس رسول در فصل سوم كتاب روميان بيان مي‌دارد كه روش انجيل براي نجات انسـان‌ها، عـادل شمردگي از طريق ايمان است. و در فصل چهارم ثابت مي‌كند كه عادل شـمردگي از طريـق ايمـان همـواره روش كتاب‌مقدس براي نجات انسان بوده است؛ بنابراين روش نجات در دوران عهدعتيق نيز بر همين مبـني بوده است.

گام 1: قرائت

قرائت: روميان 1:4-16 را با هم بخوانيم.

هر يك از ما به‌نوبت يك آيه را بخوانيم تا قرائت تكميل شود.

گام 2: كشف كردن

ملاحظه: كدام حقيقت در اين بخش براي شما مهم است؟

يا: كدام حقيقت در اين بخش فكرتان يا قلبتان را لمس مي‌كند؟

يادداشتها: يك يا دو حقيقت را كه درك مي‌كنيد كشف نماييد، در موردشان تفكر كنيد، و فكرتـان را در دفترتـان يادداشت كنيد.

در ميان گذاشتن: (پس از آنكه اعضاي گروه وقتي را بـه فكـر كـردن و يادداشـت كـردن گذراندنـد، بخواهيـد كـه به‌نوبت افكارشان را در ميان بگذارند).

حالا به‌نوبت آنچه را كه كشف كرده‌ايم، با يكديگر در ميان بگذاريم.

(سطور بعدي نمونه‌اي است از اينكه چطور افراد كشفيات خود را در ميان مي‌گذارند. به يـاد داشـته باشيد كه در هر گروه كوچك، اعضاي گروه مطالب متفاوتي را با هم در ميـان خواهنـد گذاشـت، و نـه الزامـاً مطالب ذيل را.)

كشف 1. در روميان 1:4-8 حقيقت مهمي براي من وجود دارد. پولس در اين قسمت دو استدلال را در اثبات اين حقيقت مطرح مي‌كند كه عادل‌شمردگي به ايمان همواره تنها روش كتاب‌مقدس براي نجات انسان بوده است. استدلالات او بر دو نقل قول از عهدعتيق استوار است.

1- اولين استدلال او در روميان 4:1-5 مطرح شده است. ايمان ابراهيم براي او عدالت محسوب شد. پولس مي‌پرسد: «پس چه چيز را بگوييم كه پدر ما ابـراهيم به‌حسـب جسـم يـافت؟» و بـر اين اسـاس استدلالي فرضي بنا مي‌كند كه فوراً آن را مردود و بي‌اساس مي‌شمارد. او مي‌گويد كه اگر ابراهيم به اعمـال عـادل شـمرده مي‌شـد، آن‌گونـه كـه بـرخي يهوديـان و مسـيحيان و مسـلمانان تصـور مي‌كننـد، آنگـاه دليلي مي‌داشت كه در حضور مردمان بدان فخر و مباهات كند، اما نه در حضور خـدا. بنـابراين پـولس چـنين نتيجـه مي‌گيرد كه ابراهيم به اعمال عادل شمرده نشد.

پولس با استناد به كتاب‌مقدس اثبات مي‌كند كه ابراهيم به اعمال عادل شمرده نشـد. او از پيـدايش 15:6 نقل قول مي‌آورد. خدا به ابراهيم وعده‌هايي مي‌دهد. هر چند اين وعده‌ها بـراي مـدت زمـاني طـولاني تحقق نيافتند، اما ابراهيم بر ايمان به خدا استوار ماند. او باور داشت كـه خـدا در زمـان مقـرر آن وعـده‌ها را تحقق خواهد بخشيد. و خدا نيز ايمان ابراهيم را براي او عدالت محسوب داشت. «عـدالت محسـوب داشـتنِ ايمان» دقيقاً به معناي «عادل شمردن به ايمان» است.

در آيات 2-3 ميان عادل شمردگي به ايمان و عادل شمردگي به اعمال تضاد و تقابلي مطـرح شـده است. البته تضاد تنها ميان آن كه اعمال را به‌جـا مي‌آورد و ديگـري كـه اعمـال را به‌جـا نمي‌آورد نيسـت بلكـه ميان آن كسي است كه اعمال را به‌جا مي‌آورد و آن كه اعمال را به‌جا نمي‌آورد اما ايمان دارد! ابراهيم نه بـه اعمال بلكه به ايمان عادل شمرده شد!

در آيات 4-5 اين تضاد و تقابل ميان اجـرتِ (پـاداش برحـق) فـردِ عمل‌كننـده اسـت بـا فيض (يعـني هديه‌اي كه فرد درخور آن نيست) كه عمل نمي‌كند بلكـه ايمـان مي‌آورد. ابـراهيم عـادل شـمرده شـد، نـه بـا اجرت و پاداشي كه خدا به‌خاطر اعمال وي به او داد، بلكه به‌خـاطر هـديه‌اي كـه از سـر رحمت و فيض و بـه سبب ايمانش بدو عطا كرد.

بدينسان، عادل شمردگي به ايمان به معناي عادل شمردگي از طريق فيض اسـت! به‌علاوه، ابـراهيم به‌خاطر ايمان كلي به خدا عادل شمرده نشد بلكـه به‌خـاطر ايمـاني خـاص بـه خـدايي كـه از طريـق عيسـي مسيح، بي‌دينان را عادل محسوب مي‌دارد!

2- استدلال دوم پولس در 4:6-8 مطرح شده است. اعمال شريرانة داود براي او بي‌عدالتي محسوب نشد. پولس نمونة ديگري از كتاب‌مقدس ذكر مي‌كند تا آنچه را كـه در مـورد ابـراهيم گفتـه بـود بـه اثبات برساند. داود نبي در مزمـور 32:1-2 مي‌فرمايـد: «خوشـابه‌حال كسـي كـه خداونـد بـه وي جـرمي در حساب نياورد». پولس آنچه داود آن را در حساب نياوردن گناهان مي‌خواند، بصـورت مثبت تفسـير كـرده، آن را عادل محسوب داشتن مي‌خوانـد. بـا توجـه بـه تـوازي موجـود در شـعر عـبري، «بخشـش گناهـان» همـان «پوشيدن گناهان» است و هر دو به مثابه «در شمار نياوردن گناهان يك فرد» به‌حساب مي‌آيند (هرگـز بـراي او گناه محسوب نمي‌شوند).

گرچه عادل شمردگي شامل «بخشايش گناهان» است، اما مفاهيم ديگري نيز دارد. عادل شـمردگي يعني بخشايش گناهان، به عضويت در آمدن در خانوادة الهي و محبت شدن از جانب خدا.

اما از آنجا كه اين متن پيرامون در حساب نياوردن يا گناه نشمردن اعمال شرير يك فـرد نـيز سـخن مي‌گويد، پولس از آن استفاده كرده، اثبات مي‌كند كه مردمان در دوران عهدعتيق نيز نـه بـه اعمـال بلكـه بـه ايمان عادل شمرده مي‌شدند! اين متن مي‌گويد خوشابه‌حال فرد، نه به‌خاطر اعمـال خـوب او بلكـه بـالعكس به‌خاطر آن كه گناهان و قصـوراتش بـراي او گنـاه منظـور نشـده اسـت! خـدا در روز داوري چـنين فـردي را مجازات نخواهد كرد! آنچه كتاب‌مقدس آن را بـركت واقعي مي‌خوانـد، پـاداش و جـزاي اعمـال نيسـت بلكـه فيضي است كه خدا آن را بر حسب ايمان عطا مي‌كند!

كشف 2. در روميان 4:9-15 حقيقت مهمي براي من وجود دارد. پولس دو استدلال ديگر را مطرح مي‌كند كه گواه بر آن است كه عادل شمردگي به ايمان همواره تنها روش كتاب‌مقدس براي نجات انسـان بـوده اسـت. استدلال او مبتني است بر تقابل ميان ايمان اوليه بـا ختنه‌اي كـه بعـداً آمـد، و همچـنين تقابـل عـادل بـودن از طريق ايمان با كوشش براي عادل شدن از طريق اعمال شريعت.

3- استدلال سوم پولس در 4:9-12 مطرح شده است. ابراهيم عادل شمرده شد، نه از طريق ختنه بلكه به ايمان. او اين سـؤال را مطـرح مي‌كنـد: «پس آيـا اين خوشـحالي بـر اهـل ختنـه گفتـه شـد يـا بـراي نامختونان (غيريهوديان) نيز؟» همچنين مي‌پرسد كه «ابراهيم در چه حالت عادل محسوب شد؟ وقـتي كـه در ختنه بود يا در نامختوني؟» اين واقعيت كه ابراهيم دست‌كم چهارده سال پيش از ختنـه شـدن، ايمـان خـود را

به‌عمل گذارد، گوياي اين حقيقت است كه ختنه، شرط لازم براي عادل شمرده شدن و يا روشي براي عادل شمرده شدن نبود. ختنه نه تنها در ايمان آوردن ابراهيم بلكه در عادل شمرده شدنش نيز نقشي نداشت، بدين دليل كه در ميان قوم خدا، هنوز ختنه وجود نداشت.

اما ختنه از زماني كه بنياد نهاده شد، با ايمان در ارتباط قرار گرفت. ختنه نه آئيني دنيوي بود و نه نشاني از هويت نژادي؛ بلكه ارزش و اهميت مذهبي داشت. خدا ختنه را به‌عنوان مُهر و نشان عهد فيض‌آميز خود با ابراهيم و تبار او تعيين كرد (پيدايش 17). ختنه مهر و نشان عادل شمردگي به ايمان بود. و به‌عنوان نشانه ، گواهي بود بر ايماني كه فرد را عادل مي‌ساخت. همچنين به‌عنوان مهر ، اصالت ايماني را كه فرد بدان عادل شمرده مي‌شد، تضمين مي‌كرد. بدينسان، ختنه به‌عنوان مهر و نشان عهد فيض ، مهر و نشان ايمان و عادل شمردگي به ايمان نيز بود ، كه عهد فيض بدون آن بي‌معنا مي‌شد.

ابراهيم ختنه را به مثابه مهر و نشاني دريافت كرد بر اينكه نه تنها پدر ايمان‌داران ختنه ناشده، بلكه تا پدر ايمان‌داران ختنه شده نيز بشود. در خصوص ايمان‌داران ختنه شده، نه ختنه شدنشان، بلكه سلوكشان در اثر گامهاي ايمان ابراهيم تضميني است بر اين حقيقت كه مؤمنينِ ختنه شده فقط در اثر ايمانشان عادل شمرده مي‌شوند.

4- استدلال چهارم پولس، در 4:13 مطرح شده است. خدا به ابراهيم وعده داد كه وارث جهان خواهد شد، نه از طريق زندگي بر اساس شريعت، بلكه از طريق عادل شمرده شدن (عدالت) به ايمان. در اينجا تقابل (آنتي‌تز) به‌طور خاص ميان انجام اعمال شريعت و عادل شمرده شدن به ايمان است. تقابل و تضاد ميان تلاش براي تحصيل عادل شمردگي از طريق زيستن مطابق شريعت است و عادل و پارسا شمرده شدنِ كامل در نظر خدا از طريق زيستن با ايمان به وعدة خدا. در اينجا منظور از «شريعت» شريعت موسي نيست، زيرا شريعت موسي 430 سال پس از وعدة خدا به ابراهيم عطا شد، و وعدة خدا به ابراهيم را باطل نكرد (غلاطيان 3:17-22). همچنين «شريعت» به معناي مكاشفة كامل عهدعتيق نيز نيست، زيرا عهدعتيق نيز بر حقيقت عادل شمردگي به ايمان گواه مي‌دهد (روميان 3:21). در اين‌جا كلمة «شريعت» به معناي احكامي است شامل فرامين و دستوراتي كه اطاعت مي‌طلبد ، و به اعمال شريعت اشاره دارد. شريعت اطاعت مي‌طلبد، و آنگاه كه از آن تخطي به‌عمل آيد، موجب خشم و غضب مي‌گردد. در اينجا تقابل ميان شريعتي است كه در صورت تخطي از آن، فيضي نمي‌شناسد از يك سو، و وعدة خدا كه از سر فيض و رحمت عطا شده است از سوي ديگر.

كشف 4. در روميان 4:14-16 a حقيقت مهمي براي من وجود دارد. وعدة خدا را نه از طريق رعايت اعمال شريعت، بلكه از طريق ايمان مي‌توان دريافت كرد. در زمينة عادل شمردگي، «اعمال شريعت» و «ايمان به خدا» دافع يكديگرند! يهوديان، مسيحيان، مسلمانان و يا هر كه بكوشد تا مطابق شريعت زندگي كند، مرداني هستند كه در تلاشند تا با رعايت اعمال شريعت عادل شمرده شوند. اما از آنجا كه انسان‌ها دائماً شريعت را زير پا مي‌گذارند و از آن تخطي مي‌ورزند، شريعت نيز به‌جاي آن كه موجب عادل شمرده شدن آنها بشود، سبب خشم و غضب مي‌شود! كلمة «شريعت» در روميان 4:15 به معناي «مطالبات و اقتضاهاي عادلانة» خدا است؛ يعني اينكه جميع گناهان بايد مجازات شوند و تمامي انسان‌ها بايد به‌طور كامل در عدالت و پارسايي زندگي كنند! وقتي پولس مي‌گويد «جايي ك شريعت نيست، تجاوز هم نيست»، منظور اين نيست كه انسان‌هايي هستند كه هرگز مرتكب گناه نشده‌اند. بلكه به‌طور خاص بر نكتة خلاف و مقابل آن تأكيد مي‌گذارد. زيرا عمل شريعت بر دل تمامي مردمان جهان مكتوب است (2:15)، و همه از شريعت تخطي ورزيده‌اند. و از آنجا كه همه از شريعت تخطي ورزيده‌اند، همه زير خشم و غضب خدا قرار دارند. زيرا شريعت موجبات خشم خدا را فراهم مي‌آورد نه فيض او را، فيضي كه پايه و اساس وعدة خدا و ايمان انسان است. بنابراين، وقتي يهوديان، مسيحيان و يا مسلمانان سعي بر آن دارند كه با رعايت اعمال شريعت عادل شمرده شوند، ايمان ارزش خود را از دست مي‌دهد و وعدة خدا نيز فاقد ارزش مي‌گردد! بدينسان، بر اساس آية 16، نمي‌توان ميراث فيض خدا و ميراث وعدة او از طريق ايمان را از طريق رعايت اعمال شريعت به‌دست آورد. و به‌همين جهت، جميع آنان كه با شريعت زندگي مي‌كنند، خواه يهودي و خواه مسيحي و خواه مسلمان، نمي‌توانند وارث وعدة خدا شوند!

كشف 4. در روميان 4:16 b حقيقت مهمي براي من وجود دارد.

1- وعدة خدا به ذريت ابراهيم داده شده بود. و «ذريت» ابراهيم و يا تبار او در نهايت كسي نيست مگر عيسي مسيح (غلاطيان 3:16-17)! اما در اين متن، «ذريت» يا تبار ابراهيم بايد مفهوم جامع داشته باشد و به دودمان ابراهيم دلالت داشته باشد. با توجه به روميان 4:6-17، وعدة خدا به تمامي تبار يا نسل ابراهيم داده مي‌شود. اين وعده به آناني كه تنها بر اساس شريعت موسي زندگي مي‌كنند داده نشده است. بلكه به آناني عطا شده كه با ايمان به وعدة خدا مبني بر ظهور مسيحاي موعود زندگي مي‌كنند (ر.ش. پيدايش 12:3، 15:5-6، 22:17-18)، حال چه شريعت را نيز نگاه دارند (4:12) چه «مردمي باشند كه اهل شريعت نيستند ولي از همان ايماني برخوردار باشند كه ابراهيم داشت» (4:16). و اين بدين معنا است كه وعدة خدا به ايمان‌داران در مسيح داده شده است، حال خواه از نژاد يهود باشند و خواه غيريهودي. ابراهيم پدرِ دو گروه از مردم نيست، (يعني آناني كه يهودي و ختنه شده‌اند و به مسيح ايمان ندارند و آناني كه غيريهودي و ختنه ناشده‌اند و به مسيح ايمان دارند). نه! او تنها پدر يك گروه است يعني آناني كه به مسيح ايمان مي‌آورند، حال خواه اصالتاً از يهوديانِ ختنه شده باشند كه شريعت موسي را نيز حفظ مي‌كنند، خواه اصالتاً از امت‌هاي ختنه ناشده باشند كه حتي شريعت موسي را ندارند.

2- مضمون و محتواي وعدة خدا اين بود كه ابراهيم وارث جهان خواهد شد. اين اشاره به وعده‌اي است كه در پيدايش 12:3 تكرار شده است، و بر اساس آن جميع قبايل جهان از طريق «ذريت» ابراهيم (عيسي مسيح) بركت خواهند يافت. وعدة خدا به ابراهيم چيزي نيست جز اين حقيقت كه عيسي و پيروان او بر جهان حاكميت خواهند يافت. البته اين وعده پس از بازگشت عيسي مسيح تحقق نهايي خواهد يافت، آنگاه كه مسيح همه چيز را احيا نمايد و او و همة پيروانش وارث آسمان و زمين نوين گردند!

گام 3: سؤال
ملاحظه: از اين بخش چه چيزي مايليد از گروه بپرسيد؟
سعي كنيم همه حقايق موجود در روميان 4:1-16 را درك كنيم و در مورد مطالبي كه درك نمي‌كنيم، سؤال كنيم.
يادداشتها: سؤال خود را تا حد امكان روشن طرح كنيد. سپس آن را در دفترتان بنويسيد.
در ميان گذاشتن: (پس از آنكه اعضاي گروه وقتي را به تفكر و يادداشت كردن گذراندند، اجازه دهيد ابتدا هر كس نظرات خود را مطرح كند.)
بحث: (سپس چند تا از اين سؤالات را انتخاب كنيد و بكوشيد در بارة آنها در گروه بحث كنيد و پاسخشان را بيابيد.)
(مطالب ذيل نمونه‌هايي است از سؤالاتي كه ممكن است محصلين مطرح كنند؛ همچنين تذكراتي براي بحث در بارة سؤالات ارائه شده است.)

سؤال 1. (4:3-5). معناي عبارت «محسوب شدن» (به حساب گذاره شدن) چيست؟
يادداشتها. روميان 4:3-5 مي‌گويد نه آن كس كه كاري انجام مي‌دهد، بلكه آن كس كه ايمانش را بر خدا قرار مي‌دهد ، ايمانش براي او عدالت «محسوب» مي‌شود. عبارت «محسوب شدن» در كتاب روميان بسيار حائز اهميت است. اين عبارت به معناي «به‌شمار آوردن»، «منظور و محسوب داشتن»، و يا «به حساب كسي گذاردن» است. يعني «رفتار كردن» با فرد بر اساس ماهيت آنچه به حساب او گذاشته مي‌شود. به‌عنوان مثال در مزمور 32:2 مي‌فرمايد: «خوشابه‌حال كسي كه خداوند جرمي به وي در حساب نياورد.» عبارات «محسوب نداشتن گناه» (4:ـ 8) بدان معنا است كه خداوند فرد را گناهكار نمي‌بيند و با او چون گناهكار رفتار نمي‌كند. همچنين عبارات «عدالت محسوب داشتن» بدان معنا است كه خدا فرد گناهكار را عادل و پارسا مي‌بيند.
عبارت «محسوب داشتن» واژه‌اي حقوقي است و بدان معنا است كه رابطة فرد با خدا و مطالبات خدا در شريعت، حتي پيش از آنكه شخصيت اخلاقي آن فرد متحول شود، تغيير يافته و دگرگون شده است. كتاب‌مقدس اين مفهوم را مطرح مي‌فرمايد كه چيزي به حساب فرد گذاشته مي‌شود كه از آنِ او نيست، و همچنين اين مفهوم را كه آنچه واقعاً از آنِ فرد است، به حساب او گذاشته نمي‌شود . در روميان 4:5-6 عدالتي كه عملاً متعلق به «بي‌دينان» نيست (بلكه تنها از آنِ مسيح است كه به‌جاي ايمانداران كسب نمود، اول قرنتيان 1:30؛ دوم قرنتيان 5:21) به حساب آنان گذارده مي‌شود، به شرط آنكه به مسيح ايمان آورند! «عدالت محسوب داشتن ايمان» دقيقاً به معناي «عادل شمردن به ايمان» است.

سؤال 2. (4:3). چه چيز به حساب ابراهيم به‌عنوان عدالت گذارده شد؟
يادداشتها. كلمة «محسوب شدن» به معني به‌شمار آوردن و به حساب كسي گذاردن است. عبارت «براي او عدالت محسوب شد» دقيقاً در ماجراي ابراهيم در كتاب پيدايش 15:6 و در رابطه با فينحاس در مزمور 106:31 نيز ذكر شده است. ولي اگر چه عبارات يكي هستند، اما چارچوبها كاملاً با هم متفاوتند.

1- عدالت فينحاس. با توجه به كتاب اعداد 25:1-9 در ميان اسرائيليان وبايي مهلك نازل شد، زيرا ايشان دچار زناي اخلاقي و روحاني شده بودند. آنان بت مي‌پرستيدند و مرتكب بي‌عفتي و زنا مي‌شدند. فنيحاس، فرزند كاهن اعظم، به پا خاست و با مجازات برخي از شرارت‌پيشگان، در اين وضع مداخله كرد. ايمانش به خدا در قلب او غيرت پديد آورد و وقف و سرسپردگي‌اش به خدا براي او عدالت محسوب شد. و اين بدان معنا است كه عمل مبتني بر وقف و سرسپردگي و غيرت او از لحاظ مذهبي-اخلاقي براي او عدالت و يا عمل نيك محسوب شد، نه از لحاظ مذهبي-حقوقي.

2- عدالت ابراهيم. اگر در مورد فينحاس وقف و سرسپردگي‌اش عدالت محسوب شد، در مورد ابراهيم ايمان او بود كه برايش عدالت به‌شمار آمد. در مورد فينحاس، عمل مبتني بر وقف او در مفهوم مذهبي-اخلاقي عدالت يا عمل نيك محسوب شد، يعني در حوزة تقديس يا رفتار اخلاقي انسان. اما در مورد ابراهيم، ايمان او به وعدة خدا در مفهوم مذهبي-حقوقي واكنشي عادلانه محسوب گرديد، يعني در حوزة عادل‌شمردگي يا مطالبات حقوقي خدا. ايمان ابراهيم عملي عادلانه يا نيك تلقي نشد (در مفهوم اخلاقي)، بلكه در نظر خدا عادل‌شمردگي تلقي گرديد (در مفهوم حقوقي). ايمان آن «دستِ خالي» بود كه ابراهيم از طريق آن وعدة خدا را دريافت داشت. تمام استدلال مطرح شده در فصل چهارم رساله به روميان براساس قياس و تقابلي است ميان «عادل شمردگي به ايمان» و «عادل شمردگي به اعمال». اگر پولس به‌جاي ابراهيم از نمونة فنيحاس استفاده كرده بود، تمامي بحث خود در فصل چهارم را نقض مي‌كرد. موضوعات مطرح شده در اين متن‌ها كاملاً با يكديگر متفاوت‌اند، پس بنابراين نتايج نيز بايد كاملاً متفاوت باشند. ابراهيم به ايمان عادل شمرده شد و بدينسان ايماندار شد، در حاليكه فنيحاس همچون يك ايمان‌دار زيست و عادل شمردگي را با انجام عملي عادلانه نشان داد.
بر اساس پيدايش 15:6، خدا به ابراهيم وعده‌هاي خاصي داد و آن اين بود كه از جسم خود فرزندي خواهد داشت و اعقاب او به تعداد ستارگان آسمان بي‌شمار خواهند بود. اگر چه اين وعده‌ها در زمانِ اعطا شدنشان هنوز تحقق نيافته بود، اما ابراهيم ايمان داشت كه خدا آنها را محقق خواهد ساخت. او وعده‌هاي خدا را نه با بي‌ايماني بلكه با ايمان پذيرفت و ايمان به خدا براي او عدالت محسوب شد. ايمان ابراهيم به مثابه عملي خاص به‌شمار نيامد و يا عدالتي كه حاصل عملي عادلانة او باشد، بلكه ايمان او پاسخي بود كه وي را نزد خدا عادل شمرد. ايمان او وسيله‌اي بود كه خدا از طريق آن عدالت را به حساب او گذارد. ايمان او دستي خالي بود كه بدان عدالت خدا را همچون هديه‌اي كه انسان لايقش نيست، دريافت نمود (5:17). خدا ايمانِ ابراهيم را به‌عنوان تنها پاسخ صحيح به وعدة فيض‌آميز خود به‌شمار آورد. خدا ابراهيم را در نظر خود كاملاً عادل و پارسا محسوب داشت و بدين طريق به ايمان وي پاسخ داد.

سؤال 3. (4:13). اين نكته كه خدا به ابراهيم وعده داد كه وارث جهان خواهد بود، به چه معنا است؟
يادداشتها. خدا به ابراهيم و فرزندان روحاني او وعده داد كه به‌اتفاق مسيح وارثان جهان خواهند بود. بر اساس پيدايش 15:5-7 و 22:17-18، وعدة خدا به ابراهيم تنها شامل سرزمين كنعان مي‌شد، و تضمين اينكه فرزندان او بي‌شمار خواهند بود، و جميع ملل جهان از طريق ذريت او بركت خواهند يافت. وقتي يوشع سرزمين كنعان را تصرف كرد، دو قسمت از وعدة خدا به ابراهيم تحقق يافت (يوشع 21:43-45؛ 23:14-16). اما تحقق سومين قسمت از وعدة خدا زماني آغاز شد كه عيسي مسيح به اين جهان آمد!
ابراهيم به خدا ايمان آورد؛ و به‌طور خاص به اين حقيقت كه خدا از طريق يكي از اعقاب او جميع ملل جهان را بركت خواهد داد! بر اساس پيدايش 3:16، اين بدان معنا بود كه ابراهيم ايمان داشت كه عيسي مسيح به‌عنوان منجي در آينده خواهد آمد. ايمان ابراهيم به ظهور عيسي مسيحِ منجي در آينده، وسيله‌اي بود كه خدا از طريق آن وي را عادل محسوب داشت. يهوديان باور داشتند كه يگانه وارثان جهانند، زيرا چنين مي‌پنداشتند كه شريعت و به‌طور خاص ختنه را نگاه داشته‌اند. اما با توجه به روميان 4:13 و 16، وعدة خدا از آنِ «تمامي فرزندان روحاني ابراهيم» است، يعني تمامي آناني كه به عيسي مسيح ايمان آورده‌اند، خواه يهود و خواه امت (غيريهود). خدا به آنها وعده داد كه در اتحاد با مسيح، سرورشان، وارثان

جهان خواهند بود. اين وعده زماني بطور لغوي تحقق خواهد يافت كه عيسي مسيح به‌هنگام بازگشتش، فرمانروايي خود را در شكل نهايي‌اش بر زمين نوين، در خاور، در خاور ميانه، در باختر، و شمال و جنوب برقرار سازد! سپس بر اساس دانيال 7:27، تمامي اقصا نقاط جهان تحت تملك مسيح در خواهد آمد و مذهب حقيقي عالم‌گير خواهد شد و ممالك جهان به مقدسان حضرت اعلي سپرده خواهد شد.

گام 4: كاربرد

ملاحظه: كداميك از حقايق موجود در اين بخش، چيزي است كه مسيحيان مي‌توانند امروز آن را به‌كار ببرند؟

در ميان گذاشتن و يادداشت كردن: با يكديگر فكر كنيم و از روميان 4:1-16 فهرستي از كاربردهاي احتمالي تهيه كنيم.

ملاحظه: كدام كاربرد احتمالي را خدا مي‌خواهد كه شما به كاربردي شخصي براي خودتان تبديل كنيد؟

يادداشت كردن: اين كاربرد شخصي را در دفترتان بنويسيد. مي‌توانيد كاربرد شخصي‌تان را با ديگران در ميان بگذاريد.

(به ياد داشته باشيد كه در گروههاي مختلف، افراد ممكن است حقايق متفاوتي را براي كاربرد شخصي انتخاب كنند، يا حتي كاربردهاي متفاوتي را از يك حقيقت استخراج كنند. ذيلاً فهرستي از كاربردهاي احتمالي را ارائه مي‌دهيم.)

كاربردهاي احتمالي

- 4:2-5؛ مسيحيان چيزي ندارند كه در حضور خدا بدان فخر كنند. هرگز نيز نمي‌توانند در خصوص اطاعتشان از ارادة خدا و اعمال نيكشان فخر كنند.

- 4:3؛ تعاليم كتاب‌مقدس مرجع نهايي و محك حقيقت است.

- 4:5-8؛ اگر گناهانتان هنوز بخشيده نشده است، خداوند مي‌تواند آنها را ببخشايد و هرگز نيز آنها را عليه‌تان محسوب ندارد، و بالعكس شما را صد در صد عادل و پارسا محسوب دارد. و اين زماني امكان‌پذير مي‌گردد كه شما به خدايي ايمان بياوريد كه از طريق عيسي مسيح فرد شرير را عادل مي‌شمارد.

- 4:9-12؛ وعدة خدا مبني بر صد در صد بخشوده و پذيرفته شدن و به فرزند خواندگي خدا در آمدن تنها متعلق به يهوديان و مسلمينِ ختنه شده كه به مسيح ايمان مي‌آورند نيست، بلكه از آنِ تمامي ختنه ناشدگاني نيز هست كه در سراسر جهان به عيسي مسيح ايمان مي‌آورند.

- 4:13؛ ايمان به عيسي مسيح نه تنها نتايج روحاني بس عظيم در پي دارد، بلكه ثمراتي فيزيكي نيز در پي خواهد داشت. وعدة آتي خدا اين است كه هر سرزميني در سراسر جهان ميراث ايمانداران مسيح خواهد بود.

- 4:14-16؛ زيستن تحت شريعت تضميني است بر اينكه انسان هرگز در حضور خدا عادل شمرده نمي‌شود و وارث هيچيك از وعده‌هاي خدا نخواهد شد! اما زندگي تحت فيض و برخورداري از نجاتي كه حاصل عمل رهايي‌بخشي عيسي مسيح است، تضميني است بر اينكه خدا انسان را عادل مي‌شمارد و او را وارث وعدة خود مي‌سازد، همچنين وارث تمامي جهان!

كاربردهاي شخصي

- روميان 4:5 مي‌فرمايد كه ايمان به خدايي كه گنه‌كار را از طريق عيسي مسيح عادل مي‌شمارد، عدالت محسوب مي‌شود. من باور دارم كه عادل محسوب شده‌ام، نه به اعمال خود بلكه تنها به ايمان. مي‌دانم كه عادل محسوب شده‌ام، نه به‌خاطر اينكه خدا به اعمال من پاداش مي‌دهد و يا آنها را جبران مي‌كند بلكه به اين سبب كه او از سر فيض و رحمتش مرا در نظر خود عادل و پارسا محسوب مي‌دارد. عدالت من بر اساس عملي است كه مسيح به‌جاي من انجام داده است و آن هنگام كه آن را به ايمان پذيرفتم، حقيقتي مسلم شد.

- روميان 4:12 مي‌فرمايد كه نه تنها ختنه‌شدگان بلكه ايمانداران در مسيح عادل شمرده مي‌شوند حتي اگر در گذشته نيز ختنه شده باشند. مي‌دانم كه هيچ آيين مذهبي همچون ختنه يا تعميد نمي‌تواند مرا عادل سازد. نه مردم مي‌توانند مرا عادل سازند و نه كليسا. در عهدعتيق ختنه شرط لازم و يا وسيلة عادل شمرده شدن نبود، بلكه تنها مُهر و نشان عادل شمردگي به ايمان بود. در عهدجديد، تعميد هيچ‌گاه نمي‌تواند شرط لازم و يا وسيلة عادل شمرده شدن باشد، بلكه مُهر و نشاني است بر عادل شمردگي از طريق ايمان (كولسيان 2:11-12؛ روميان 2: 28-29).

گام 5: دعا

دعا: هر يك از ما به‌نوبت در بارة يكي از حقايقي كه خدا از روميان 4:1-16 به ما آموخته است، دعا كنيم.

(نسبت به آنچه كه در طول اين بررسي كتاب‌مقدس آموخته‌ايد، در دعا واكنش نشـان دهيـد. تمـرين كنيد كه فقط طي يك يا دو جمله دعا كنيد. به ياد داشته باشيد كه افراد در گروههاي مختلف، در بارة مطـالب متفاوتي دعا خواهند كرد.)

5 دعا (8 دقيقه)

دعاي واكنشي

در واكنش به آنچه كه امروز آموختيد، به‌نوبت دعاهايي كوتاه به‌حضور خدا بكنيد.

يا گروه را به دسته‌هاي دو نفري يا سه نفري تقسيم كنيد تا در واكنش به آنچه كه امروز آموختيد، بـه حضور خدا دعا كنيد.

6 تكليف (2 دقيقه)

براي جلسه بعد

(رهـبر: اين تكليف را به‌صورت نوشته به اعضـاي گـروه بدهيـد يـا بخواهيـد كـه آن را در دفـتر يادداشتشـان رونويسي كنند).

- تعهد: نسبت به شاگردسازي و بناي كليسا و موعظة ملكوت احساس تعهد كنيد.

براي يك فرد يا يك گروه «روميان 4:1-16» را موعظه كنيد، يا تعليم دهيد يا بررسي نماييد.

- وقت خلوت: هر روز به اندازة نصف فصل از دوم تواريخ فصل‌هاي 16ـ 18ـ 20 و 26 رابخوانيد. از روش حقيقت دلخواه استفاده كنيد. يادداشت برداريد.

- به خاطر سپردن: آية جديد از كتاب‌مقدس را مورد تفكر قرار دهيد و آن را حفظ كنيد.

خدمات كليسا: افسسيان 4:12-13. اين آيه را هر روز تكرار كنيد.

- دعا: در اين هفته براي يك شخص يا يك چيز مشخص دعا كنيد و ببينيد كه خدا چه مي‌كند (مزمور 5:3).

- آمادگي: مثل دو پسر متي 21ـ 28-32؛ مثل درخت انجير لوقا 13:1-9؛ از روش 6 گام براي تفسير مَثَل‌ها استفاده كنيد.

- پوشة مربوط به «موعظة ملكوت خدا» را تكميل كنيد.